

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

مصاحبه آقای بوختا (دانشجوی دوره دکترای دانشگاه کلن آلمان)

با آقای دکتر ابراهیم یزدی (۱۳۷۲/۵/۱۴)

انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن در ایجاد وحدت اسلامی

س ۱- الف: تعریف شما از مکتب و تفکر تشیع چیست؟

ب: ویژگی‌های اصلی و ذاتی تشیع چه می‌باشد؟

ج: تعریف شما از مکتب و تفکر تسنن چیست؟

د: ویژگی‌های اصلی و ذاتی تسنن چه می‌باشد؟

پاسخ: فرقه‌های مختلف اسلامی، به خصوص دو فرقه بزرگ تشیع و تسنن در اصول دین (توحید - نبوت - معاد) و مبانی اساسی دین یعنی کتاب خدا، قرآن و رسول خدا(ص) به عنوان خاتم پیامبران، با هم اشتراک نظر دارند. اما موضوعات و مسائلی که این دو را از هم متمایز می‌سازد عبارتند از:

۱- در مورد قرآن - اهل تسنن به خصوص برخی از گروه‌های افراطی آنها (اشاعره) ظاهر قرآن را اصل می‌دانند، (یا می‌دانسته‌اند). اهل تشیع برای قرآن ظاهرها و باطن‌ها قائل هستند، و معتقدند معانی باطن قرآن را امامان دوازده‌گانه معصوم توضیح داده‌اند.

۲- جایگاه عقل - تشیع جایگاه و مقام خاصی برای عقل انسان قائل است. فهم و قبول وحی، رسالت، امامت، همه بر اساس تعقل است. البته برخی از شیعیان (اخباریون) در مورد احکام، عقل را از حجیت می‌اندازند. برخی از گروه‌های اهل تسنن، چنین مقامی را برای عقل قائل نیستند.

۳- برخی از گروه‌های اهل تسنن، برای بشر اختیاری قائل نیستند و به جبر معتقدند و برخی دیگر به اراده یا تفویض مطلق برای انسان معتقدند. اهل تشیع، به جبر و به تفویض کامل معتقد نیستند، بلکه وضعیت انسان را بین این دو امر می‌دانند. ()

۴- اهل تسنن به عصمت انبیا در وحی فقط معتقدند اما تشیع در تمام موارد به آن معتقد است. این موارد عبارتند از: ۱- مصونیت با عصمت از خطا در مقام گرفتن وحی، ۲- مصونیت از خطا در مقام تبلیغ در رسانیدن پیامهای الهی و ۳- مصونیت از خطا در مقام انجام وظایف و تکالیف شخصی. در مذهب تشیع اعتقاد بر این است که امامان دوازده‌گانه نیز معصوم هستند.

۵- عترت یا اهل بیت: در آیه ۳۳ از سوره احزاب طهارت اهل بیت تصریح شده است. اهل تسنن اهل بیت را شامل زنان پیامبر می‌دانند. در تشیع بر اساس سنت خود رسول الله (ص)، اهل بیت مورد نظر این آیه قرآن کریم فاطمه، علی، حسن، حسین و امامان بعد از آن از نسل امام حسین، می‌باشند.

۶- حدیث ثقلین - اهل تسنن، این حدیث را به این صورت روایت می‌کنند که: رسول خدا (ص) فرمود، «من در حالی شما را ترک می‌کنم که دو چیز سنگین برای شما باقی می‌گذارم: کتاب الله و سنتی (کتاب خدا و سنت خودم). تشیع، این حدیث را به صورت: کتاب الله و عترتی (کتاب خدا و عترت خودم) روایت می‌کند و به این ترتیب «عترت یا اهل بیت»، مقام ویژه و خاصی را در اهل تشیع پیدا کرده است.

۷- شیعه و سنی، هر دو برای سنت رسول الله (ص)، بر حسب دستور قرآن، که سنت رسول الله (ص) را اسوه حسنه نامیده است، که باید پیروی شود، مقام و جایگاهی بعد از قرآن قائل هستند و قرآن و سنت، دو منبع اصلی دین به شمار می‌رود. اما شیعه ملاک عمده و اصلی اعتبار سنت را از طریق عترت یا امامان معصوم می‌داند. شیعه سنت رسول الله (ص) (گفتار - اعمال و تقریر) را واجب و لازم می‌داند و در مقابل نصوص قطعی سنت اجتهاد را، حتی برای امام معصوم، حرام می‌داند.

۸- عدالت صحابه - اهل تسنن، تمام صحابه پیامبر را عادل می‌دانند و حرف و نقل آنان را حجت می‌دانند. تشیع، به عدالت تمامی اصحاب پیامبر اعتقاد ندارد.

۹- در تسنن اصول دین عبارتست از توحید - نبوت و معاد. شیعه علاوه بر این سه اصل به دو اصل عدالت و امامت (ولایت) هم معتقد است.

۱۰- امامت و جانشینی - به اعتقاد شیعه ، تا امام معصوم حضور دارد، کسی نمی‌تواند حاکم باشد. اما حکومت معصوم هم باید با رأی و اختیار مردم باشد، نه با زور. در غیاب معصوم، انتخاب حاکم با عقل و تشخیص عرف است و با رضایت مردم. اهل تسنن، بر اساس رویه تعیین دو خلیفه اول و دوم، اساس حکومت را، رضایت و وصایت می‌دانند، بعدها، زور هم بدان اضافه شد. یعنی اگر حکومتی به زور هم به قدرت نشست، به دلایلی، اطاعت او را توجیه می‌کند. بر این اساس، در مورد اولی‌الامر، موضوع آیه قرآن، اهل تسنن هر حکومتی را «اولی‌الامر» دانسته و اطاعت از او را واجب می‌دانند. تشیع، اولی‌الامر را امامان معصوم می‌دانسته‌اند. بعد از انقلاب اسلامی، گروهی از اهل تشیع یا حداقل برخی از متفکرین صاحب مقام آن، ولی فقیه را اولی‌الامر واجب‌الاطاعه می‌دانند.

۱۱- مهدی موعود - تسنن و تشیع، هر دو به ظهور مهدی معتقدند اما تشیع مهدی موعود را قائم آل محمد و امام دوازدهم غایب می‌داند.

۱۲- اهل سنت، فتاوی خلفای سه گانه، اول تا سوم، را جزیی از احکام دینی می‌دانند. شیعه چنین موضعی ندارد.

۱۳- در تشیع فرآیند اجتهاد، برخلاف تسنن، تعطیل نشده است.

۱۴- عرفان اسلامی، عرفان و تصوف اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در اسلام و تاریخ اسلام داشته و دارد. اما عرفان امامان معصوم شیعه از هر گونه آلودگی با عرفان غیراسلامی مبرا است. در تشیع یک جریان بسیار غنی و سرشار عرفانی وجود دارد. بهترین و زیباترین گنجینه‌های عرفانی از امامان شیعه به ما رسیده است. شاید در هیچ فرهنگ و مذهب دیگری دعاهای زیبا نظیر آنچه از امامان شیعه به ما رسیده است وجود نداشته باشد. (نظیر دعای کمیل - صحیفه سجادیه - دعای عرفات - احادیث قدسی و -) از حدود ۲۵ فرقه صوفیه، حداقل ۲۳ فرقه، اصل و منشأ خود را به نحوی از انحاء به امامان شیعه می‌رسانند و یا بانیان آنها، حداقل چنین داعیه‌هایی دارند.

در بررسی ویژگیهای هر یک از دو فرقه تسنن و تشیع باید توجه داشت که طی دورانهای مختلف، این ویژگیها متحول شده‌اند. سه دوره اصلی را باید در نظر داشت:

دوره اول - در زمان حیات رسول الله (ص) تا پایان خلافت خلفای رسول الله (ص).

دوره دوم - از زمان سلطه بنی‌امیه تا حدود آغاز قرن بیستم است.

دوره سوم - از آغاز قرن بیستم تا کنون.

در دوره اول، گرایش‌ها، تمایلات و دیدگاه‌های متفاوت درباره قرآن و رسول الله (ص) میان مسلمانان وجود داشت. پیامبر گرامی، تا آنجا که این نظرات و گرایشها مغایر با اصول قرآنی نبودند و مبانی را نفی نمی‌کردند، آنها را تحمل کرده و نسبت به بعضی از این نظرات و گرایشها عنایت مخصوص مبذول می‌فرمودند.

دوره دوم، همراه است با حاکمیت قدرت سیاسی بر دین، و به تبع آن، انطباق تفسیرهای دینی با نیازهای قدرت سیاسی حاکم. اکثریت اهل تسنن، این جریان را تایید کرده است. اگر چه برخی از متفکرین اهل تسنن در برابر خلفای ظلم و جور ایستادند ولی امامان شیعه، و به تبع آنها شیعیان، بر ظلم و ستم خلفای ناحق صحنه نگذاشتند و با آنان درگیر شدند و اکثراً به طور مستقیم و غیرمستقیم و یا در زندانها به شهادت رسیدند. فعالیت امامان شیعه، انسجام تفکر شیعی را، در چهارچوبهای اصلی حفظ کرده است. به تبعیت از امامان معصوم، علما و متفکرین شیعه جز در مواردی، با سلاطین و حکومت‌های زمان همراهی نکردند. در این دوره طولانی هم روش و منش امامان و متفکرین شیعه و هم متفکرین اهل تسنن از یک‌طرف و نقش و نفوذ سیطره دولت‌ها و خلفای حاکم بر جریان‌های دینی از طرف دیگر، فرهنگ سیاسی، فقهی، عرفانی، اجتماعی ویژه‌ای را برای هر دو مکتب به وجود آورده است، که در بررسی این دو مکتب در عصر حاضر باید به آن توجه داشت.

دوره سوم، عصر حاضر است. در جهان تسنن، از زمان سقوط خلافت عثمانی تغییرات بارزی در روند فکر و اندیشه متفکرین اهل تسنن مشاهده می‌شود. در هر نوع بررسی از ویژگیهای «اهل تسنن» لاجرم باید تحول در اندیشه‌های دینی معاصر را در جهان تسنن، در نظر گرفت. نوعی نوآوری در این اندیشه‌ها دیده می‌شود، که مواضع و ویژگیهای تاریخی را نفی و یا تعدیل می‌نماید. به عنوان مثال، اکثر علما و متفکرین جدید اهل تسنن، هر حاکم ناحق و اهل جود و ستم را اولی‌الامر و واجب‌الاطاعه نمی‌دانند و یا بسیاری به ضرورت باز شدن بای اجتهاد معتقدند.

در جهان تشیع، روی کار آمدن صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع، تغییراتی در برخی از گرایشها و مواضع تاریخی شیعه به وجود آورد و از علمای برجسته، پیوند تازه‌ای با سلاطین پیدا کردند و به تبع آن به توجیه حکومت‌های ظالمانه پرداختند. انقلاب مشروطیت، تحول تازه در جریان فکر و اندیشه اهل تشیع به وجود آورد. مسائل تازه‌ای، خصوصاً در باب فلسفه سیاسی و حکومت عنوان گردید انقلاب اسلامی ایران، تحولات را گسترده‌تر و عمیق‌تر ساخت. بنابراین، در هر نوع بررسی از ویژگی‌های دو جریان فکری و مذهبی اهل تشیع و اهل تسنن، می‌بایستی این تحولات را در نظر گرفت و به آن پرداخت.

س ۲- بنابر تعریفهای شما از مکتب تشیع و تسنن وحدت دو فرقه چه صورتی به خود می‌گیرد؟

پاسخ: ۱- در مورد چگونگی وحدت دو فرقه، ابتدا باید روشن ساخت منظور از وحدت چیست؟ آیا منظور حذف یا ادغام هر دو گروه یا تمامی فرقه‌ها، در یک جریان واحد است؟ که نه عملی است و نه مفید به فایده‌ای! یا آن که منظور ایجاد نزدیکی و تفاهم و تبادل نظر و همکاری و همفکری و همگامی میان فرقه‌های مختلف اسلامی می‌باشد؟ وحدت نباید و نمی‌تواند دنبال حذف یا ادغام فرقه‌ها باشد.

۲- همان‌طور که پیدایش افکار و اندیشه‌های متفاوت و مختلف، حاصل یا انعکاس طبیعت تفکر بشر و همکنشی میان انسان به عنوان مخاطب وحی، با وحی و دین است، تغییر در مواضع و گرایش‌های دینی و تحول به سوی همگامی و وحدت میان فرقه‌ها نیز باید متناسب و به همراه شرایط مناسب طبیعی، اجتماعی و سیاسی در جوامع اسلامی باشد.

۳- شرط اول وحدت، به معنایی که در بند ۱ آمده است، قبول حق حیات برای تمامی اندیشه‌های متفاوت و مختلف و تحمل حضور آنان می‌باشد.

۴- در ورای گوناگونی فرقه‌ها و اختلافات عقیدتی می‌توان بر موارد اشتراک که اصولی و پایه‌ای هستند تکیه کرد. که عبارتند از:

۴/۱- قرآن، سنت رسول الله (ص) - قبله واحد - به اضافه اشتراکات فراوان در زمینه‌های فکری و احکام دینی (شریعت).

۴/۲- مشکلات و موضوعات مشترک و منافع مشترک جهان اسلام چه در درون این جوامع و چه خارج از آن و برنامه و اولویت‌های مشترک.

۵- برای هموار ساختن راه وحدت، ضروری است که:

۵/۱- پذیرفتن حق حیات و حضور برای هر دو فرقه و سایر فرق اسلامی.

۵/۲- تلاش علمی - دور از تعصب - برای فهم اندیشه‌های مذاهب و فرقه‌های مختلف.

۵/۳- ایجاد شبکه‌های ارتباطی دائم اسلامی - علمی و مبادله استاد و دانشجو.

۵/۴- بررسی، تبیین و تکیه بر نکات مشترک عقیدتی.

۵/۵- بررسی و تبیین موارد اختلاف در سطوح آکادمیک و با روحیه علمی به منظور روشن نمودن

مواضع و حوادث گذشته، بدون پیش‌داوری‌ها - تسامح و تساهل در موارد اختلاف.

۵/۶- بررسی و تبیین راه حل‌های مشترک برای مسایل و مشکلات کنونی مسلمانان، که برای همه

گروه‌ها و فرقه‌ها یکسان است.

۵/۷- مبادله تجارب بین مذاهب و فرقه‌ها و استفاده علمی از تجارب هر کشور و گروه مسلمان در

حل مشکلات متنوع جوامع کنونی و تطبیق مبانی دینی با شرایط عصر حاضر.

۵/۸- بررسی و تبیین موانع موجود بر سر راه رشد و توسعه کشورهای اسلامی و مقابله مشترک با

آنها.

۶- علیرغم تمامی اختلافات، که برخی از آنها بسیار اساسی و زیربنایی هم است، با وجود این

وحدت، همکاری و همفکری میان مسلمانان عملی است.

س ۳- الف: از نظر شما حدیث غدیر خم چه اهمیتی دارد؟

ب: نظر شما درباره امامت و ولایت چیست؟

ج: آیا اعتقاد به امامت برای یگانگی و وحدت اسلامی مانع نمی‌باشد؟

پاسخ: غدیر خم یک حادثه واقعی تاریخی است و بخشی از سنت غیرقابل انکار رسول الله (ص) و از

مصادیق نص می‌باشد. اهمیت آن نظیر سایر اجزاء دین می‌باشد.

غدیر خم و مسئله امامت را نباید تنها در چهارچوب یک حادثه تاریخی و یا امامانی که آمده‌اند و

رفته‌اند بررسی نمود. آنها الگوهای عینی و عملی مفاهیم و ارزشهای انتزاعی دینی هستند. هر مکتبی برای

زنده ماندن نیاز به ارائه الگوهای انسانی دارد. بدون ارائه الگو، هر فکر یا اندیشه‌ای، به صورت کتابی در

یک کتابخانه باقی خواهد ماند. انبیا نمونه‌ها و مثل‌های اعلای پیام خود بوده‌اند. امامان شیعه، نیز - به تصدیق تاریخ، الگوهای زنده این مکتب هستند و شناخت آنها برای شیعه و سنی ضروری و مفید است. اعتقاد به امامت نه تنها مانع برای یگانگی و وحدت اسلامی نیست، بلکه می‌تواند با الهام از رویه آن امامان کمک به آن باشد.

س ۴- ارزیابی شما از فعالیت‌ها و کتابهای آقای آیت‌الله مرتضی

عسکری و امثال ایشان چیست؟

پاسخ: در مورد فعالیت و کتابهای آقای عسکری اطلاعات زیادی ندارم و نظری نمی‌دهم. اما برخی از مطالعات ایشان، جالب و از نظر تاریخی در خور توجه و دقت است.

خداوند همه ما را از لغزش مصون بدارد و ما را بر آن چه موجب رضای خدا است موفق بدارد.

ابراهیم یزدی - تهران

۱۴ مرداد ۱۳۷۲